

عنوان مقاله:

بررسی تناسب زبان و محتوای شعر عرفانی عهد تیموری بر اساس نظریه تمثیل آگوبناس (مطالعه موردی: ابزار بیان وحدت وجود در هفت اورنگ جامی)

محل انتشار:

فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی، دوره 2، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

حمید طاهری - عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی ره

رمضان تفسیری - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی

خلاصه مقاله:

عرفان نوعی از شناخت فراحسی و فراعقلی و مسیر و طریقی در معرفت است که عارف با سیر و طی مراحل سلوک، صاحب دریافت و تجارب و معرفتی خاص می‌شود که انتقال حقیقت این تجارب، با زبان عبارت و معمول، غیرممکن است. عارف با استفاده از ابزارهایی ویژه، به ابداع زبان جدید می‌پردازد که آن را «زبان اشارت» می‌گویند. عرفان تعلیمی ایجاب می‌کند تا امور انتزاعی و مفاهیم متناقض نما در قالب حکایت‌ها، قصه‌ها، رمزها، تمثیل و دیگر گونه‌های زبان اشاری ملموس و محسوس شود که این کارکرد، سبب گسترش زبان عرفان به‌ویژه حکایت و تمثیل شد و عرفان از حیث زبان و محتوا تحول پذیرفت. تحول محتوایی و زبانی عرفان، کاهش جذبات، تلفیق شریعت و طریقت، رونق و تاثیر اندیشه‌های شیعی و مکتب ابن عربی در عرفان دوره تیموری برجسته و هویداست. این اثربخشی، عرفان ذوقی را به تعلیمی و زبان رمزی را به زبان تصویری و تعلیمی تبدیل کرد و آثار شعری جامی، از این منظر از شاهکارهای ادب تعلیمی دوره مورد مطالعه این تحقیق محسوب می‌شوند. این مقاله با تکیه بر نظریه تمثیل به روش توصیفی تحلیلی، به این نتیجه دست یافته است که شاخص‌ترین ابزار بیان اشاری در این دوره، تمثیل است؛ زیرا حکایت‌های تمثیلی با تمام ظرفیت‌ها و ظرفیت‌ها، توان محسوس سازی امور معقول را دارند. برای محدودکردن دامنه تحقیق، به موضوع وحدت وجود و شاخه‌ها و وابسته‌های آن در هفت اورنگ جامی بسنده کرده ایم.

کلمات کلیدی:

زبان عرفان، شعر عرفانی، تجربه وحدت وجود، نظریه تمثیل، هفت اورنگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1394687>

